نقد و بررسی کتاب «قرآن و کتاب مقدس؛ درون مایه‌های مشترک»
[نکتهٔ پژوهشی ـ ۱۹]

مهدی نصرتیان اهور*
زهرا نصرتیان اهور**

چکیده: در میان مستشرقان برخی برای کم اعتبار جلوه دادن قرآن و دین اسلام سعی بر آن دارند تا نشان دهند قرآن از عهدین استفاده نموده است. برای پژوهشگران این سؤال مطرح است که چقدر مشابهت میان قرآن و عهدین وجود دارد که چنین ادعایی می‌تواند مطرح شود. کتاب "قرآن و کتاب مقدس؛ درون مایه‌های مشترک" کتابی است که می‌تواند تا حدودی به این سؤال پاسخ دهد. در این نوشتار به کتاب‌شناسی آن پرداخته می‌شود. در انتها نیز به چند نقد عمده اکتفا شده است.

کلیدواژه‌ها: تثلیث / توحید / ادیان توحیدی / مسیحیت / ربط وحدت با تثلیث.

درآمد

در محیطی آکنده از سنّتهای غلط و رسوم بی‌پایه و محیط شرک آلود، دعوت به سوی زندگی پاک و پرستش خدای واحد متعال آغاز شد و در اندک زمانی این ندای

*. دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث قم. *Email: Mehdi.nosratian@gmail.com*
**. دانشجوی کارشناسی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

توحیدی سراسر جزیره العرب را فراگرفت و تـوانست اعـراب غـرق در سـنّتهای تعصّب آمیز را به سوی تمدن بسیار متعالی و مترقی سوق دهد؛ به‌گونه‌ای که تمدن عربی منحط جاهلیّت رنگ باخته و تمدن عالی اسلامی در جزیره العرب جایگزین آن شد. سپس این تمدن روز به روزگسترش یافت و تقریباً به یک دین بزرگ جهانی تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که در حال حاضر، این تمدن بزرگ پیروان فراوانی دارد. بدین ترتیب دین اسلام حالت منطقه‌ای و فرهنگ یک جامعهٔ خـاص بـودن خـود را از دست داد و به یک تمدن تبدیل شد.

قرآن کریم ـ که نماد وکتاب اصلی این دین است ـ وحی و معجزهٔ الهی به شمار می‌رود؛ کتابی که از طریق آن، خداوند راستی و درستی گفتار پیامبرش ـ در ادعای نبوّت ـ را به تمامی جهانیان ثابت مـی‌کند. عکس العـمل دانشـمندان بـه هـنگام رویارویی با این کتاب و معجزهٔ همیشگی خداونـد، یکسـان نـیست بـلکه بسـیار متفاوت وگاه متناقض است. در میان مستشرقان نیز چنین عکس العمل‌هایی یافت می‌شود.[1] برخی از آنها به محض مطالعهٔ قرآن و معارفش، بـه عـمق آن پـی بـرده اعتراف کردند که معارف قرآنی از تفکرات و اندیشه‌های بشری بسیار فراتر است؛ لذا به وحیانیت آن اعتراف کردند. در مقابل، برخی دیگر برای فرار از این اعتراف، پای اقتباس قرآن از عهدین را به میان کشیده‌اند و با این حربه می‌خواهند بگویند قرآن کتاب آسمانی نیست و وجود معارف عمیق و برتر از اندیشه انسانی در آن نیز امر عجیبی نیست؛ زیرا این معارف در عهدین نیز موجود است. عهدینی که از جمله کتب آسمانی و وحیانی است. طبیعی است وقتی قرآن، معارف خود را از این کتب مقدس و وحیانی اخذ کرده باشد باید معارفش از وصف «غـیر انسـانی بـودن» و وحیانی بودن نیز بویی برده باشند.

حال سؤال این است که تا چه اندازه مشابهت میان مفاهیم و معارف قرآنی با

۱. برای اطلاع از دیدگاه مستشرقان دربارهٔ قرآن رجوع شود به: قرآن و مستشرقان، ص ۱۲۶ ـ ۲۵۵.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

معارف عهدین وجود دارد که چنین مشابهتی می‌تواند راه فرار از اعتراف به وحیانیت قرآن تلقی شود؟ میان کدام معارف بنیادین و غیر بنیادین اسلام، مسیحیت و یهودیت چنین اشتراکی برقرار است؟ کتاب قرآن و کتاب مقدس؛ درون مایه های مشترک یکی از کتابهایی است که در این زمینه نوشته شده و از جمله کتب مؤثر و مفید در این زمینه است. کتابی که نویسندهٔ آن در فصول مختلف و در جای جای آن سعی دارد چنین اشتراکاتی را با بیان شواهد به اثبات برساند. در این نوشتار به معرفی و کتاب‌شناسی اثر حاضر و نقد و بررسی آن پرداخته خواهد شد.

معرفی اجمالی نویسنده کتاب

خانم دنیز ماسون نویسندهٔ کتاب حاضر، زندگی آرام و گمنامی را سپری کرد، به گونه‌ای که هیچ اطلاع دقیقی از وی در دست نیست و به همین دلیل، نه تاریخ تولد وی مشخص است و نه تاریخ فوت او. در سال ۱۹۲۹ میلادی برای فراگیری زبان عربی و یافتن شناختی از کشور مراکش، عازم پایتخت آن (رباط) گردید. در آن زمان تنها الفبای زبان عربی را می‌دانست و دیپلمی نیز از صلیب سرخ به همراه داشت.

او برای آشنایی با گویش مردم مراکش و یادگیری زبان عربی در یک کلینیک پزشکی مبارزه با بیماری سل مشغول به کار شد. سرانجام نیز در سال ۱۹۳۰ تصمیم گرفت در آن کشور به صورت دائمی اقامت کند.

دنیز ماسون به مدت نزدیک به ۶۰ سال و تا پایان عمر، تمام وقت خود را بر سر مطالعهٔ زبان و ادبیات عرب و پژوهش و تحقیق در باب قرآن و نیز جستجوی موارد اشتراک و افتراق آن با کتاب مقدس و دیگر متون یهودی و مسیحی گذارد.

وی به قدری در این باب مصمم و جدی بود که وصیت کرد بعد از فوت او باغ و خانه مسکونی‌اش در مراکش به عنوان مرکزی برای تبادل و گفتگوی بین ادیان و فرهنگها در اختیار دولت فرانسه قرارگیرد. حاصل شش دهه عمر او در باب حوزهٔ مورد علاقه‌اش آثار متعدد و ارزشمندی است مثل: ترجمهٔ قرآن به زبان فرانسه، قرآن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

و مقایسه آن با متون مقدس یهودی و مسیحی، سه طریقه توحیدی، دروازه‌ای باز به روی باغی در بسته، توحید و یگانه پرستی از نگاه قرآن و کتاب مقدس و ...[1]

معرفی اجمالی مترجم

فاطمه سادات تهامی در سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شد. دورهٔ ابتدایی و راهنمایی را در همان شهر گذراند و مقطع دبیرستان را در فرانسه در کالج بونل به پایان رساند.

بعد از بازگشت به ایران، مدرک کارشناسی خود را در رشتهٔ الهیات و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تهران اخذ کرد. سپس در رشتهٔ علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس مدرک دکترای خود را گرفت. رسالهٔ وی در این دوره با عنوان «نقش ایرانیان در تدوین و نشر حدیث» چاپ و منتشر شد.

وی از بهمن سال ۱۳۷۱ تا شهریور ۱۳۸۳ عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران و پس از آن، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم بود.

تهامی با زبانهای فرانسه، انگلیسی و عربی آشنایی دارد و مقالات متعددی از این سه زبان ترجمه کرده است. نخستین اثر مستقل او که انتشارات سهروردی در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسانده، ترجمه‌ای است از کتاب «قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک» نوشته دنیز ماسون. (نک: خبرگزاری کتاب ایران)

معرفی اجمالی کتاب

کتاب «قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۶ برگزیده شد. اثر حاضر کوشیده است طی بررسی

۱. نک: مقدمهٔ کتاب قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک؛ سایت خبرگزاری قرآنی ایران نارون، وبلاگ اختصاصی دکتر قنبری.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

تطبیقی، همسویی‌ها و ناهمسویی‌های قرآن و کتاب مقدس (اعم از عهد جدید و عهد قدیم) را روشن سازد. در ذیل به صورت اجمالی گزارشی از محتوای این کتاب ارائه خواهد شد.

این کتاب از یک مقدّمه و پنج دفتر متشکل شده است. مقدّمهٔ کتاب با سخنی از ناشر آغاز و سپس با بیان یادآوری پی‌گیری و در نهایت نیز به بیان یک پیش‌گفتار ختم می‌شود.

دفتر اوّل که به موضوع خدا اختصاص دارد از دو بخش تشکیل شده و در فصل اوّل آن به صفات خداوند مورد اشاره قرار می‌گیرد. در اشاره به صفات خداوند به ذکر ۱۲ عنوان پرداخته است: خدای حیّ و حاضر و صفات او، خداوند هم متعالی و هم نزدیک به انسان است، اسماء الهی، وحدانیّت خدا، تعالی خدا، تغییرناپذیری خدا، سرمدیت خدا، قدرت مطلقهٔ خدا، رحمت خدا، خدا حق و نور و آگاه از همه چیز است، خدای داور عادل، قدّوسیت خدا. در پایان فصل نیز به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

فصل دوم از دفتر اوّل نیز در پنج عنوان به مبحث تثلیث پرداخته شده است: نصوص قرآنی در نفی اصل جسمی مسیحی، خاستگاه اصل تثلیث، بدعتها، نقد اصل تثلیث از سوی نویسندگان مسلمان، متون مورد استشهاد ماراچی.

در دفتر دوم از این کتاب به مبحث آفرینش اشاره شده است. این امر در پنج فصل شکل گرفته است. در فصل اوّل این دفتر ذیل پنج عنوان به نظریهٔ تکوین عالم پرداخته است: خلق آسمان و زمین، کیفیت آفرینش، محتوای آفرینش حاصل شش روز، آفرینش مستمر و استراحت خدا، جهان تجلی خدا. در فصل دوم آن نیز در دو عنوان به مبحث فرشتگان اشاره می‌کند: وجود فرشتگان، کار فرشتگان. در فصل سوّم آن به مبحث اجنه و شیاطین و در فصل چهارم نیز به ماهیت انسانی گریز زده است. در فصل پنجم آن نیز تحت سه عنوان انسان کامل بودن حضرت عیسی علیه‌السلام را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

مورد بررسی قرار می دهد: مسیح، کلمه و کلام الهی، پرستش آدم. در انتها نیز به بررسی روح در قرآن اشاره‌ای دارد.

دفتر سوّم این کتاب به وحی اختصاص دارد. در این دفتر نیز در فصل اوّل وحی توحیدی را در هشت عنوان فرعی بیان می‌کند: مفاهیم کلّی، کلمهٔ سرمدی و وحی، روح، حکمت، حقیقت، نور، کتب مقدس، مفهوم میثاق. در فصل دوم نیز به پیامبران اشاره دارد که در دو عنوان کلّی بدانها پرداخته است: محمد ﷺ و پیامبران پیش از اسلام که نام آنان در قرآن آمده است که عبارتند از: عیسی و مادرش مریم، آدم، ادریس، نوح، ابراهیم و لوط، یوسف پسر یعقوب، موسی، نخستین شاهان اسرائیل، سه تن از انبیاء بنی اسرائیل، شخصیتهای غیر توراتی.

قرآن نیز در دفتر چهارم این کتاب تبیین شده است. این دفتر از دو بخش عمده شکل گرفته است. در بخش اوّل این دفتر قرآن به مثابه نخستین اساس قوانین عبادی قلمداد شده است. در این بخش نیز به دو فصل یادآوری می‌کند:

الف) وظایف امّت در قبال خداوند: در این قسمت به هفت مورد تذکر می دهد: مفهوم امّت، مفهوم آیین نیایش، مراسم پیوستن به جمع مؤمنان، نخستین ظهور جماعت، نماز، قربانی حج، اعیاد دینی.

ب) واجبات فردی مؤمن: در این عنوان نیز به شصت موضوع می پردازد: در برابر خداوند، تکالیف مؤمنان در قبال جماعت، وظایف مؤمنان نسبت به دیگران، وظایف مؤمنان در ارتباط به اشخاص خاص، متاع دنیوی، تحریم سحر.

در بخش دوم از دفتر چهارم قرآن به مثابه اساس و پایه نخستین سلوک انسانی معرفی شده است: در این بخش نیز به بیان هشت مورد می‌پردازد: مفهوم خیر و شر، آزادی و مسئولیت، تقدیر، گناه، دیدگاه داوری و اخلاق قرآنی، آیا خداوند علّت و عامل گمراهی کافران است، طبقه‌بندی اعمال انسانی بر اساس قرآن، توبه و عفو الهی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

دفتر پنجم، زندگی بازپسین تبیین می‌شود که خود از چهار فصل شکل گرفته است. الف) آخرت شناسی؛ بازگشت انسان به سوی خدا که مباحثی همچون: دورنمای زندگی بازپسین، روز رستاخیز، ساعت، داوری آخرین بیان شده است. ب) جهنم، ج) بهشت. در این فصل به بهشت و واژگان قرآنی دربارهٔ بهشت و جهنم پرداخته است. د) سعادت اخروی از دیدگاه مسلمین.

نکته: در کتاب حاضر در تمام بخشهای ذکر شده سعی بر این است که در هر مبحث نمونه‌های قرآنی به همراه نمونه‌های مشابه آن از عهدین به مخاطب القا شود تا در اثر تطبیق میان آنها، مخاطب به وجود اشتراکات میان این آموزه‌ها در قرآن و عهدین اذعان کند. پاورقی‌ها نیز به صورت یک جا در آخر هر فصل ذکر شده است و به تناسب تعداد پاورقی در هر فصلی صفحاتی را به بیان آنها اختصاص داده است. در آخر جلد دوم این کتاب به بیان علائم اختصاری، کتاب‌نامه، نمایه واژگاه و ریشه‌های قرآنی، نمایه اعلام پرداخته است.

مشخصات کامل کتاب چنین است: «قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک» تألیف: دنیز ماسون؛ ترجمهٔ فاطمه سادات تهامی ـ تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۵. دو جلد، ۱۰۲۳ صفحه.

نقد و بررسی

اثر حاضر یکی از کتب ارزشمند در این زمینه است و تلاشی درخور تحسین، از نویسندهٔ کتاب جهت تبیین نقاط اشتراک میان قرآن و کتاب مقدس صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که برای یافتن این موارد می‌توان از کتاب حاضر بهرهٔ خوبی برد. ولی در این نوشته باید به دو نقص عمده و اساسی اشاره کرد. البته اگر با دقت و ملاحظه جزئیات بدان نگریسته شود، شاید نقدها بیش از این نمایان شود ولی در نگاه کلّی می‌توان این دو نقد را به صورت زیر عنوان کرد:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

۱. وحودت و تثلیت

به عقیدهٔ ماسون، وحدانیت و یکتایی خداونـد از جـمله اعـتقادات بـنیادین، حقیقی و انکارناپذیر ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت است و این سه دین هم رأی و هم سخن به آموزهٔ فوق ارشاد کرده‌اند. به نظر ایشان، هر چند بنیاد پیام قرآنـی تأیید وحدانیت خداوند است ولی باید گفت هیچ نکته‌ای را در آموزهٔ وحدانیت خدا تغییر نداده است؛ زیرا قرآن اسلام را به عنوان کیش ابراهیم، پدر مؤمنان ـ همو که مسلمانان را مسلمان نامیده است ـ معرفی می‌کند. در واقع قرآن همان وحـی نخستین را یادآور می‌گردد.

در ادامه به تطبیق دیدگاه قرآن و کتاب مـقدس دست مـی‌زند و از مـتون آنـها استشهاد می طلبد. می‌گوید در قرآن خطاب به موسی می‌فرماید: «**إِنَّنی أَنَا اللهُ لا إِلهَ إِلاَّ أَنَا**» (طه (۲۰) / ۱۴) *خدای یکتا من هستم. هیچ خدایی جز من نیست.* یا «**أَتی أَمْرُ اللهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ، یُنَزِّلُ الْمَلائِکَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ أَنَا فَاتَّقُونِ**» (نحل (۱۶) / ۱ ـ ۲) *فرمان خداوند در رسید، به شتابش مخواهید. او منزّه است و از هر چه شریک او می‌سازند برتر، فرشتگان را همراه وحی ـ که فرمان اوست ـ بر هریک از بندگانش که بخواهد فرو می‌فرستد تا بیم دهند که: جز من خدایی نیست، اینک، از من پروا دارید.*

همچنین آیات فراوانی به این آموزه تصریح دارند. تقریباً ۳۹ بار عبارت توحید در قرآن تکرار شده، و این خود بیانگر ایمان کامل و خاصی است که از مؤمن صادق خواسته اند.

در عهد عتیق نیز مشابه این فراوان وجـود دارد. «یـهوه خـداست و غـیر از او دیگری نیست» (سفر تثنیه، ج ۴، ص ۳۵ و ۳۹) «یهوه خدای ما، یهوه احد است» (همان، ج ۶، ص ۴) و به اشعیاء نبی می‌گوید: «غیر از من خدایی دیگر نیست». (اشیاء، ج ۴۵، ص ۲۱) در ادامه می‌گوید: کاریگو لاگرانژ ضمن تلخیص نظر ثابت علمای صاحب

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

نظرالاهیات می‌گوید: توحید تقریباً در تمامی صفحات عهد عتیق و عهد جدید ثابت شده است. ماسون دعای روزانه بنی اسرائیل را نیز به عنوان بیانگر توحید نقل می‌کند. آنها هر روز دعایی می خوانند که آغازش چنین است: ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است، یگانه، احد. (سفر تثنیه، ج ۶، ص ۴) و در نهایت چنین نتیجه‌گیری می‌کند: مسیحی به اتفاق آراء و بی هیچ تزلزلی وحدانیت مطلق ذات الاهی را در تثلیث اقنوم های او تأیید می‌کند.

به نظر ایشان مفهوم قرآنی خدای واحد با آنچه در این زمینه در تورات کتاب انبیاء و انجیل آمده است کاملاً مطابقت دارد. قرآن وحدانیت الاهی را تأیید می‌کند و صفات الاهی را آن‌چنان که در کتاب مقدس آمده تصدیق می‌کند، ولی در عین حال نوعی آیین سه‌گانه پرستی به مسیحیان منتسب شده که با آموزهٔ کلیسا هم‌سویی ندارد.

وی معتقد است این امر بدین جهت است که زبان عربی از جهت واژگان در توجیه آموزه تثلیث با مشکل رو به روست؛ مشکلی که موجب این آشفتگی نیز شده است وگرنه نویسندگان مسیحی این مشکل را ندارند. آنها از واژهٔ صفت برای اشخاص الهی استفاده می‌کنند.

وی در تأیید سخن خود از عبارت پی سند پاک استشهاد می‌طلبد: اگر قرآن به تأکید می‌فرماید:

﴿وَ قالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللهِ وَ قالَتِ النَّصارى الْمَسيحُ ابْنُ اللهِ ذلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْواهِهِمْ يُضاهِؤُنَ قَوْلَ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قاتَلَهُمُ اللهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ (توبه (۹) / ۳۰)

یهود گفتند که عزیر پسر خداست، و نصاری گفتند که عیسی پسر خداست. این سخن که می‌گویند همانند گفتار کسانی است که پیش از این کافر بودند. خدا بکشدشان. چگونه از حق منحرفشان می‌کنند؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

و حال آنکه مسیح خود به قدرت حکمت الهی آفریده شده است.

﴿قالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لى وَلَدٌ وَ لَمْ يَمْسَسْنى بَشَرٌ قالَ كَذلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ ما يَشاءُ إِذا قَضى أَمْراً فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (آل عمران (۳) / ۴۷)

مریم گفت: ای پروردگار من، چگونه مرا فرزندی باشد، در حالی‌که بشری به من دست نزده است؟ گفت: بدین سان که خدا هر چه بخواهد می‌آفریند. چون ارادهٔ چیزی کند به او گوید موجود شو، پس موجود می‌شود.

و اگر قرآن به رویارویی و نفی آیین چند خدایی از نوع سه‌گانه پرستی و یا نوعی زایش بدون آمیزش مغایر مفهوم خدای یکتا و منزّه از مادیّت است بر می‌خیزد، در واقع اصول جزمی تثلیث و تجسد را به گونه‌ای که در باور کلیسا است مورد هجوم قرار نمی‌دهد و آن سه گانه پرستی ربطی با اصل تثلیث ندارد؛ زیرا در اعتقادات مسیحی خداوند از لحاظ ذات، یگانه و از لحاظ موضوع سه‌گانه دانسته شده است. این اصل همچون دیگر باورهای مطرح شده در ایمان مسیحی، بر پایهٔ داده‌های وحیانی بنا گردیده و صاحب نظران الاهیات مسیحی معتقدند که اصل تثلیث در عهد عتیق به نحو تلویحی (و به نوعی آماده سازی دراز مدت) ذکر شده و در عهد جدید تصریح گردیده و در تعالیم کلیسا ریشه داشته است و این رازی است که خرد انسانی به آن راه ندارد و الاهیات تنها می‌تواند عدم تضاد آن با عقل را توجیه کند.

ایشان بعد از این نقل قول در صدد است سابقهٔ تاریخی از اصل تثلیث و خاستگاه آن بیان کند که از عهد عتیق، عهد جدید و سخنان آباء کلیسا کمک می‌گیرد. در ادامه نیز با بیان دو بدعت مورد انکار کلیسا و مسیحیان، این مطالب را به پایان می‌رساند. وی معتقد است آیین سه خدایی در میان مسیحیان عمومیت ندارد؛ بلکه یکی از بدعتهایی است که در سال ۵۵۷ نیز از سوی شورای قسطنطنیه محکوم شده است و تنها ژان آسکوسناژس و برخی از شاگردانش معتقد بودند که به همان تعداد اشخاص، طبیعت، ذات و الوهیت نیز وجود دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

به نظر وی، آیین پرستش مریم از جمله بدعتهای کولیریدی هاست که آن هم از جانب کلیسا محکوم شده است، بدعتی که در سدهٔ چهارم در عربستان پدید آمد و به زودی نیز از میان رفت. پس نباید وجود دو بدعت محکوم شده و مورد انکار کلیسا را به کلیسا و مسیحیان نسبت داد. در واقع قرآن به نقد دو بدعتی پرداخته است که خود کلیسا نیز آنها را محکوم و مردود می‌داند. پس این نسبت ناظر به مسیحیان نیست و قرآن در نقل قول و انتساب خود اشتباه کرده است.

این شبهه اختصاص به ایشان ندارد، بلکه بسیاری از متفکران مسیحی چنین نقدی را ابراز کرده‌اند؛ به گونه‌ای که توماس میشل می‌گوید: قرآن سه خدایی را رد می‌کند، نه تثلیث را که عقیدهٔ برخی از مشرکان حجاز بوده است. آنان بخشی از مسیحیت را پذیرفته و تحریف کرده‌اند. (توماس میشل، ص ۷۹) و یا مونتگمری وات می‌گوید: قرآن اعتقاد به سه خدایی را نقد می‌کند نه سه اقنوم را. در خلال اعصار ممکن است مسیحیان ساده و یا بد آموزش دیده‌ای باشند که به سه خدا اعتقاد داشته باشند و محتمل است چنین افرادی در عربستان زمان حضرت محمّد [صلی الله علیه و آله] بوده باشند. پس قرآن یک بدعت مسیحی را رد می‌کند که مسیحیت راست اندیش نیز با این نقد موافق هستند. (اردستانی، ص ۱۳۶)

می‌توان به این نویسندگان چنین پاسخ گفت: در آیات شواهدی است که ثابت می‌کند مقصود قرآن، ردّ همان تثلیث رایج مسیحی است. برای تبیین این مطلب ابتدا آیات ذکر و سپس نحوهٔ استفاده این امر بیان می‌شود.

﴿یا أَهْلَ الْکِتابِ لا تَغْلُوا فی دینِکُمْ وَ لا تَقُولُوا عَلَی اللهِ إِلاَّ الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ رَسُولُ اللهِ وَ کَلِمَتُهُ أَلْقاها إِلی مَرْیَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللهِ وَ رُسُلِهِ وَ لا تَقُولُوا ثَلاثَةٌ انْتَهُوا خَیْراً لَکُمْ إِنَّمَا اللهُ إِلهٌ واحِدٌ سُبْحانَهُ أَنْ یَکُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ کَفی بِاللهِ وَکیلاً.﴾ (نساء (۴) / ۱۷۱)

ای اهل کتاب، در دین خویش غلوّ مکنید و دربارهٔ خدا جز سخن حق

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

مگویید. عیسی پسر مریم پیامبر خدا و کلمه او بود که به مریمش افکند و روحی از او بود. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و مگویید که سه است. از این اندیشه‌ها باز ایستید که خیر شما در آن خواهد بود. جز این نیست که الله خدایی است یکتا. منزّه است از اینکه صاحب فرزندی باشد. از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است، و خداکارسازی راکافی است.

در این آیه شاید ابتدا خداوند اهل کتاب را از غلوّ باز می‌دارد، ولی در ادامه به صورت حصر می‌فرماید: مسیح فقط پیامبر خدا وکلمهٔ اوست، پس مگویید که سه تاست. در ادامه می‌افزاید خدا منزّه است از اینکه پسری داشته باشد. این در حالی است که شخصیت دوم تثلیث پسر خداست، پس اسلام و قرآن این اندیشه مسیحی رایج را نقد و رد می‌کند. به عبارت دیگر در این آیه به صراحت یکی از بنیادین‌ترین مفاهیم تثلیث یعنی پسر خدا بودنِ مسیح مورد نقد واقع شده است. آیا این آموزه نیز از بدعتهایی است که مسیحیان راست اندیش آن را رد می‌کنند؟ و یا از جمله مؤلفه‌های اصلی تثلیث رایج آنهاست؟ در این آیه هیچ تصریحی نشده به اینکه این پسر مقام الوهیت دارد و یا مورد پرستش دیگران بوده است و یا مادرش مورد پرستش مردم است؛ تا آنها بگویند آیهٔ ناظر به دو بدعت مذکور است که مسیحیان نیز منکر آن هستند.

نیز در قرآن می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذينَ قالُوا إِنَّ اللهَ ثالِثُ ثَلاثَةٍ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلاَّ إِلهٌ واحِدٌ وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذابٌ أَليمٌ، أَفَلا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَهُ وَ اللهُ غَفُورٌ رَحيمٌ، مَا الْمَسيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ أُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كانا يَأْكُلانِ الطَّعامَ انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآياتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ.﴾ (مائده (۵) / ۷۲ ـ ۷۵)

به تحقیق آنان که گفتند که خدا همان مسیح پسر مریم است، کافر شدند. مسیح گفت: ای بنی اسرائیل، الله پروردگار من و پروردگار خود را بپرستید.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

زیرا هرکس که برای خداوند شریکی قرار دهد خدا بهشت را بر او حرام کند، و جایگاه او آتش است و ستمکاران را یاوری نیست. آنان که گفتند: الله سوّمین سه است، کافر شدند. در حالی‌که هیچ خدایی جز الله نیست. اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند به کافرانشان عذابی دردآور خواهد رسید. آیا به درگاه خدا توبه نمی‌کنند و از او آمرزش نمی‌خواهند؟ خدا آمرزنده و مهربان است. مسیح پسر مریم جز پیامبری نبود، که پیامبرانی پیش از او بوده‌اند، و مادرش زنی راستگوی بود که هر دو غذا می‌خوردند. بنگر که چگونه آیات را برایشان بیان می‌کنیم. سپس بنگر که چگونه از حق روی می‌گردانند.

در این آیات الوهیت مسیح نفی شده است و به صراحت می‌فرماید مسیح فقط پیامبری است که قبل از وی نیز پیامبرانی آمده بودند. پس در نظر قرآن، مسیح صرفاً یک بندهٔ خداست و هیچ ساحت الوهیت در وی نیست و این با تثلیث رایج مسیحی سازگار نیست. ممکن است گفته شود که این آیه ثابت می‌کند مسیح پیامبر است، و این امری است که مسیحیان نیز قبول دارند؛ چون برای وی دو ساحت قائلند: ساحت بشری و ساحت خدایی. از جنبهٔ بشری او نیز پیامبر است. در این صورت باید گفت: اگر چنین امری پذیرفتنی است باید دو ساحتی بودن به بقیه پیامبران نیز سرایت کند، چون در این آیه مسیح را همانند بقیه پیامبران می‌داند؛ پس اگر یکی دو ساحت الهی و بشری دارد بقیه هم چنین هستند، پس باید برای دیگران نیز چنین امری را پذیرفت، امری که زیر بار آن نخواهند رفت.

همچنین باید گفت: در هیچ جای قرآن به صراحت سه شخصیت تثلیث در کنار هم معرفی نشده‌اند. آنچه در قرآن می‌توان یافت، نفی صریح تثلیث است: نفی الوهیت عیسی، نفی الوهیت مریم، نفی الوهیت فرشتگان. البته نفی الوهیت مریم بدان معنا نیست که ضرورتاً قرآن مریم را یکی از شخصیتهای تثلیث می‌داند. ولی پرستش عملی مریم در بسیاری از کلیساهای مشرق زمین رواج داشته و قرآن به نقد

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

آن توجه کرده است.

۲. منابع مورد استفاده

تأثیر فرهنگ محیط و شرایط حاکم بر آن می‌تواند بر نوع برداشت انسان و تفکرات وی اثر گذارد. به‌خصوص وقتی که انسان یک فرهنگ بیگانه را صرفاً در محل و محیط خاصی تجربه کرده باشد. در این صورت به احتمال زیاد مؤلفه‌های حاکم بر آن فرهنگ را عمومیت خواهد داد و خود را نیازمند به تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات بیشتر نخواهد دید. خانم ماسون نیز دچار چنین امری شده است. در جامعه‌ای که وی در آن به تحقیق دربارهٔ اسلام و قرآن می‌پردازد، فرهنگ حاکم، فرهنگ اهل تسنن و منابع غالب و حاکم بر آن جامعه نیز از جمله منابع اهل سنّت است. به همین دلیل ایشان هر حکمی راکه در آن جامعه رواج داشته و با آن روبه رو شده، به عموم مسلمان نسبت می‌دهد. البته این نکته یکی از خطاهای ایشان و اغلب مستشرقان محسوب می‌شود. آنها به گمان اینکه این مطلب در منابع اهل سنّت ذکر شده، تصوّر می‌کنند دیدگاه همهٔ مسلمانان نیز به همین وضعیت است؛ چون با مورد نقض و خلاف روبه رو نشده‌اند. در ذیل به مواردی از این جمله اشاره خواهد شد:

الف) ایشان در مبحث «عبارات نمازها» در پاورقی ۱۹۷ می‌گوید: نمازهای واجب مسلمانان در پنج نوبت گزارده می‌شود و در هر رکعت سورهٔ فاتحه خوانده می شود (نک: دنیز ماسون، ص ۷۰۱) و در ادامهٔ همین بحث می‌افزاید: و بر حسب یک سنّت در پایان قرائت این سوره واژهٔ عبری «آمین» را هم بر زبان می‌آورند. (نک: همان، ص ۶۵۵)

این فتوا از جمله فتاوای اهل سنّت است که نمازها حتماً به صورت پنج وقت باید ادا شود، در حالی‌که بنابر رأی علمای شیعه می‌توان نمازهای یاد شده را هم در سه نوبت برگزارکرد، هم در پنج نوبت. لذا خواندن نماز در پنج وقت واجب نیست،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

هر چند مستحب است. همچنین گفتن آمین بعد از سورهٔ حمد، در زمرهٔ فتاوای اهل تسنّن است، در حالی‌که فقهای شیعه آن را جایز نمی‌دانند.

ب) در تبیین مفهوم امّت، ذیل حدیث «امّت من هرگز بر خطا توافق نمی‌کنند» می‌گوید: این اتفاق نظر (اجماع) یکی از چهار اصل و منبع استنباط احکام است که فقه اسلامی بر آن متکی است (همان، ص ۵۹۴) و در ذیل پاورقی ۱۶ همان مبحث می‌گوید: سه اصل دیگر عبارتند از قرآن و سنّت و قیاس. (همان، ص ۶۸۲)

اصول و منابع استنباط در نزد شیعه عبارتند از: کتاب، سنّت، اجماع و عقل. علمای اهل سنّت به جای عقل، قیاس را جایگزین کرده‌اند. پس نباید به نحو عموم قیاس را از جمله ادله استنباط فقه اسلامی معرفی کرد؛ بلکه باید مقیّد به اهل سنّت باشد؛ در حالی‌که ایشان به نحو عموم چنین انتسابی را انجام می‌دهند.

۳. تسامح در بیان احکام اسلامی

گاه نیز یک مسئله از جهت حکم میان شیعه و سنّی متفق علیه است، ولی ایشان به صورت کامل و دقیق آن را نقل نکرده است و به نقل تسامحی اکتفا نموده است که شاید همین تسامح در نقل، منشاء برخی نگرشها دربارهٔ اسلام شود و موجب تلقی‌های خاصّی برای دیگران گردد. در ذیل به چند مورد از آنها به اختصار اشاره می‌شود.

الف) در مبحث زنان جهت تبیین حقوق زنان می‌نویسد: حقوق اسلامی پرداخت هدیه به والدین نامزد را لازم می‌داند (همان، ص ۷۸۲) و این را مطابق با همان رسم معهود در زمان حضرت یعقوب می‌داند. (پیدایش، ج ۳۴، ص ۱۲)

این در حالی است که در فقه و حقوق اسلامی برای زنان به هنگام ازدواج مهریه‌ای قرار داده شده است و این حقّ مسلّم آنان محسوب شده است. هر چند که پرداخت آن فوری نیست ولی این ارتباطی به والدین عروس ندارد و آنها در اثر این عقد، ذی حق و طلبکار از داماد نخواهند بود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

ب) همچنین در همین مبحث می‌نویسد: مطابق سنّت معمول در سرزمین اسلامی، پدر بر دختر خود ولایت دارد و او را به ازدواج هرکسی که بخواهد در می‌آورد (دنیز ماسون، ص ۷۸۳) و این امر را با مطلب موجود در سفر تثنیه یکی می‌داند. (سفر تثنیه، ج ۲۲، ص ۱۶)

ولایت پدر بر دختر خود، از جمله اموری است که اکثر فقها در باب نکاح بدان اذعان دارند، ولی اولاً این امر مورد انفاق همهٔ فقها نیست؛ زیرا برخی ولایت و اذن پدر در نکاح را منکر هستند. ثانیاً بر فرض اینکه همهٔ فقها این ولایت را بپذیرند، ولی این ولایت مطلق و به‌گونه‌ای نیست که دختر هیچ اختیاری از خود نداشته باشد.

ج) در باب وصیت نیز می‌گوید: قرآن وصیت کردن را بر هر مسلمانی که سرپرست خانواده است لازم می‌داند تا بر اساس قوانینی که قرآن مقرّر داشته تکلیف ماترک خویش را بیان کند. (دنیز ماسون، ص ۷۸۷) در ذیل مبحث طبقه‌بندی اعمال انسانی بر اساس قرآن نیز ضمن توضیح مادهٔ «کتب علیکم» می‌گوید: این تعبیر پنج بار در سورهٔ بقره ذکر شده است که یکی از آنها را دربارهٔ وصیت می‌داند و معتقد است بر همهٔ مسلمانان واجب است. (همان، ص ۸۴۲)

در پاسخ می‌گوییم: تعبیر «کتب علیکم» بیانگر تشریع امر وصیت است؛ یعنی وصیت کردن تشریع شده است و این تشریع اعم از تشریع وجوبی است. ثانیاً به فرض که تشریع، وجوبی باشد نه اعم، چنین امری تنها در موارد خاص واجب است. یعنی در مواردی که فرد نشانه‌های مرگ را در خود می‌بیند و قرضهایی نیز بر ذمهٔ وی وجود دارد و در زمان حیات خود قادر به ادای آنها نیست. در این صورت وصیت کردن لازم است نه مطلقاً.

د) ایشان همچنین در باب وصیت به هنگام ذکر سهم الارث می‌گوید: و همسران یک چهارم ترکه را به ارث می‌برند. (همان، ص ۷۸۸)

توضیح می‌دهیم که سهم الارث همسر متوفی، تنها در صورتی‌که وی فرزندی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

نداشته باشد، یک چهارم ترکه است. ولی در صورتی که متوفی دارای فرزند باشد، سهم الارث او یک هشتم ترکه است.

در مبحث قربانی حج می‌گوید: اسلام بر هر مسلمانی که فریضهٔ حج را به جا می‌آورد، فرض کرده که گوسفندی را ذبح نماید و این یادکردی از سنّت ابراهیم علیه‌السلام است. (همان، ص ۶۶۹)

باید گفت: بنابر فقه اسلامی لازم نیست ذبح ـ که در مناسک حج واجب شده ـ حتماً گوسفند باشد، بلکه هم می‌تواند گاو یا شتر باشد. لذا در اینجا تسامح رخ داده است.

۴. ایشان در برخی موارد نیز استقراء ناقص خود را تام تلقی کرده و حکم کلی مطرح می‌کند که به نمونه‌ای از این موارد اشاره می‌شود. در بحث اسماء الاهی می‌نویسد: در قرآن هر جا که خداوند از خود یاد می‌کند فعل و ضمیر جمع برای خود به کار می‌برد. (همان، ص ۵۳۴) در حالی‌که در آیات متعددی خداوند از ضمیر مفرد از خود یاد کرده است مثل ﴿**إِنَّنِی أَنَا اللهُ لا إِلهَ إِلاَّ أَنَا فَاعْبُدْنی.**﴾ (طه (۲۰) / ۱۴)

۵. در برخی موارد نیز مطلبی را به مسلمین و سنّت اسلامی نسبت می‌دهد که اصلاً در هیچ یک از منابع شیعه و سنّی از آن خبری نیست. مثلاً در باب قبله در پاورقی شماره ۲۰۹ می‌گوید: مسلمانان مردگان خود را به ترتیبی در قبر جای می‌دهند که پاهای آنها در جهت قبله باشد. (دنیز ماسون، ص ۷۰۴)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]

منابع

قرآن.

۱. توماس میشل. **کلام مسیحی**. مترجم: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ ش.

۲. دنیز ماسون. **قرآن و کتاب مقدس، درون مایه‌های مشترک**. مترجم: فاطمه سادات تهامی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۵ ش.

۳. زمانی، محمّد حسن. **قرآن و مستشرقان**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه، ۱۳۸۵ ش.

۴. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم. **درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت**. قم: انتشارات طه، ۱۳۸۲ ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.9.0]